

# اخلاق اقتصادی یا اقتصاد اخلاقی؟

(مبارزه با جرایم سازمان یافته)

دکتر غلامحسین عبیری

## اشاره

در اواسط اسفند ۱۳۸۶ قانون مبارزه با پولشویی پس از سال‌ها به تصویب مجلس و تایید شورای نگهبان رسید و برای اجرا ابلاغ شد. در اواسط اردیبهشت ۱۳۸۷ هم لایحه مقابله با فساد و ارتقای سلامت نظام اداری برای تصویب و آغاز اجرای آزمایشی در صحن علنی مجلس مطرح شد، اما به علت برخی نقایص، مورد ایراد و مخالفت عده‌ای از نمایندگان قرار گرفت و به کمیسیون اجتماعی برگشت داده شد، که البته اگر هم به تصویب می‌رسید، باز چیزی بود در حد همان قانون مبارزه با پولشویی، یعنی انبوه‌سازی قوانین ناکارآمد و سرگرم‌شدن با معلول‌ها و چشم‌پوشیدن از علت.

اگر رواج ناهنجاری‌ها و ضعف تعهدات اخلاقی با وضع قانون اصلاح می‌شد که اوضاع جهان چنین نبود، بانک و اقتصاد

## مقدمه

بررسی اوضاع اقتصادی کشورهای در حال توسعه و یا صنعتی نشان می‌دهد که ساختار و روح سرمایه‌داری حاکم بر روند توسعه جوامع بشری، با نارسایی‌هایی روبروست و نمی‌توان نسبت به آنها بی‌تفاوت بود و از آثار نامناسب آنها چشم‌پوشی کرد. روند روبه‌افزایش فعالیت‌هایی مانند قاچاق کالا، اختلاس، ارتشاء، کلاهبرداری، تبانی در معاملات دولتی، فرار مالیاتی، فحشاء، قمار، بازار سیاه و... حاکی از آن است که رابطه منطقی بین "اقتصاد و اخلاق" طی چند دهه گذشته با گره‌هایی روبرو شده‌است.

فراموش کردن واقعیات موجود هم غیرممکن و مضر است. در واقع، ساختارهای کنونی بازار بورس، روح قوانین مرتبط با پولشویی و محیط نامساعد برای افزایش بهره‌وری، از جمله عواملی بشمار می‌روند که "اخلاق اقتصادی" را زیر علامت سوال برده‌اند. بدون تردید این نارسایی ناشی از اتکای بیش از حد به "اقتصاد اخلاقی" در گذشته بوده است.

آیا توزیع نابرابر ثروت، انحصارگرایی و متمرکز شدن قدرت در دست طبقات ذینفع، نمی‌تواند عامل مهم زمینه‌سازی برای فرار مالیاتی برخی از طبقات اجتماعی بشمار آید؟

از سوی دیگر، تجربه "مک لوهان" از انتشار کتاب "دهکده جهانی" در سال ۱۹۶۵ حاکی از آن است که بشر از میراث مشترکی برخوردار است و با آینده مشترکی هم روبرو است. این آینده مشترک می‌تواند بر مبنای "اخلاق اقتصادی" پایه‌ریزی شود. آینده مشترک ما انسان‌های روی کره خاکی، همانطور که در کمیسیون برانت (۱۹۸۶) مطرح گردید، روبه‌روز بیشتر به اتحاد نیازمند است. این در حالی است که به دلایل عدیده مرتباً از این فضا فاصله می‌گیریم. به‌راستی، ما در مسیر "اخلاق اقتصادی" گام

برمی‌داریم؟ و ساختار اقتصاد جهانی بر مبنای اصول اخلاقی پایه‌گذاری شده است؟ در این نوشتار عوامل نگران‌کننده‌ای که جامعه جهانی را با تهدید روبرو نموده‌اند، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

## تاریکخانه‌های اقتصادی

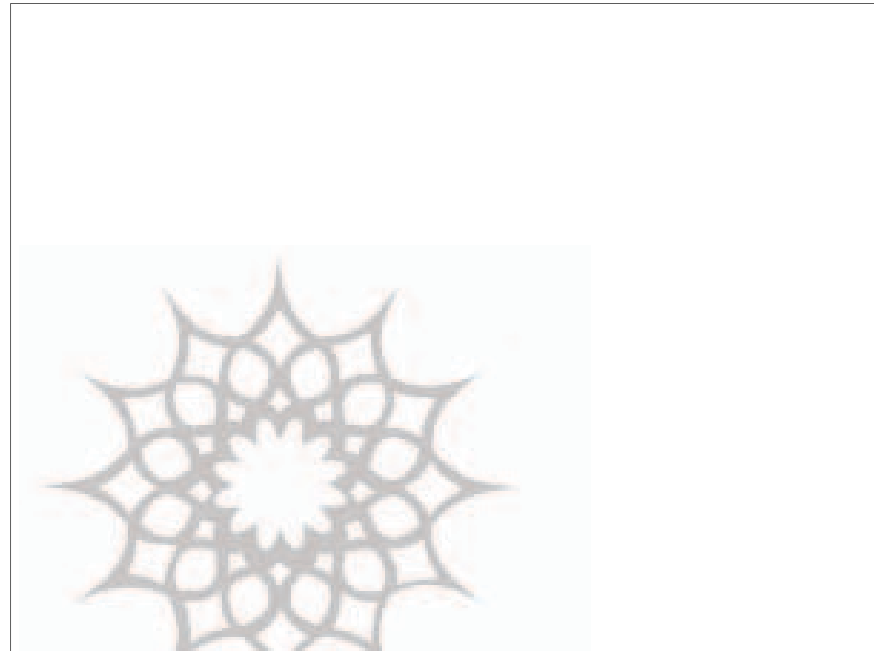
معاملات غیرمجاز، درآمدهای غیرمشروع و پول‌های خاکستری و سیاه و کثیف، روبه‌روز حوزه بیشتری از فعالیت‌های اجتماعی مردم را آلوده می‌کنند و دامنه فساد را گسترده‌تر می‌سازند. ادعا می‌شود که در ساختار اقتصاد ایران، پنجاه درصد درآمد ارزی توسط مافیای از مدار اقتصادی کشور خارج می‌شود و سهم فعالیت‌های اقتصادی زیرزمینی روبه‌رشد است. در سطح جهانی هم سالانه ۱/۸ تریلیون دلار دارایی نامشروع در محیط فساد و قاچاق کالا هزینه می‌شود<sup>(۱)</sup>.

مثلاً طلایی "برمه - لائوس - تایلند" از یک سو و هلال طلایی "ایران - پاکستان - افغانستان" از سوی دیگر، محیط مناسبی برای قاچاق مواد مخدر بشمار می‌روند. این تاریکخانه‌های اقتصادی در شرایطی به درآمدهای نامشروع دسترسی دارند که عده‌ای دیگر در آن سوی موضوع با ارائه خدمات صادقانه و ایثار در بدترین شرایط روحی و روانی و در گرمترین یا سردترین شرایط ممکنه، زندگی و توان خود را وقف

فعالیت‌های اقتصادی سالم می‌نمایند و "اخلاق اقتصادی" را سرلوحه کارشان قرار داده‌اند.

از یک سو، رانت‌خواری اقتصادی تهدیدی بالقوه برای "اخلاق اقتصادی" است و از سوی دیگر، وجود ده‌ها بند و مجرا و معبر غیررسمی، محیط مناسبی را برای رانت‌خواری فراهم نموده‌اند. وجود حواله‌های سیاه با منشأ یا مقصد غیرمشروع نیز بخش کوچکی از جریان انتقال دارایی‌های اجتماعی مردم بشمار می‌رود.

دلار در روز می‌باشد<sup>(۴)</sup>. این آمار و ارقام ضمن تایید گسترده بودن عوامل ضدارزشی در ساختار اقتصاد، این هشدار را نیز می‌دهند که "اقتصاد اخلاقی" درست عمل نکرده است. درصد قابل توجهی از ایرانیان نیز در دهه‌های اخیر قربانیان این تاریکخانه‌های اقتصادی بوده‌اند، و شبکه‌های زیرزمینی محیط مناسبی را برای شکار انسان‌های بیگانه و کم‌تجربه فراهم آورده‌اند. در دهه ۱۹۸۰، درآمد ناشی از فروش مواد مخدر



② در دوران معاصر، مافیا، نماد تبهکاری است.

قربانیان تاریکخانه‌های اقتصادی، صدها هزار فرد معتادی هستند که خانه و کاشانه خود را در مسیر "ضدارزش‌ها" ازدست داده‌اند<sup>(۲)</sup>. تعداد کشورهایی که درآمد سرانه مردمشان زیر ۷۰۰ دلار در سال می‌باشد، به ۶۳ کشور می‌رسد. ۴۰ درصد مردم کره خاکی در این جوامع زندگی می‌کنند و سرنوشت ۲/۴ میلیارد نفر جمعیت این کشورها در تاریکخانه‌های اقتصادی تعیین می‌شود. سهم این مردم از کل تولیدات جهانی نیز تنها ۲/۲ درصد است (اطلس بانک جهانی - ۲۰۰۲)<sup>(۳)</sup>.

در این تاریکخانه‌های اقتصادی، قیمت فروش دختران هشت تا ۱۲ ساله، بین ۳۰۰ تا ۸۰۰ دلار درنوسان است (بیدآباد - ۱۳۸۴) و دستمزد روزانه کارگران - اگر شانس اشتغال داشته باشند - کمتر از پنج

از درآمد ناشی از فروش نفت در سطح جهانی پیشی گرفته بود. بدیهی است که این نارسایی آغاز شوم سقوط "اخلاق اقتصادی" در کشورهای در حال توسعه است و عقل سلیم حکم می‌کند که برای جلوگیری از این دام اقتصادی، بازنگری گسترده‌تری را در دستور کار برنامه‌های اصلاحی قرار دهیم.

### بهشت فرار مالیاتی

وزیر امور اقتصادی و دارایی کشورمان در روزنامه رسمی ایران اعلام کرده است که ایران بهشت برای فرار مالیاتی است. این اظهارنظر نشان می‌دهد که نظام اقتصادی حاکم طی دهه‌های گذشته نتوانسته است "اخلاق اقتصادی" را به‌عنوان یک ارزش اجتماعی در جامعه نهادینه کند. وزیر کار و امور

اجتماعی دولت آقای احمدی‌نژاد هم اظهار می‌دارند که اگر بهره‌وری به میزان یک درصد افزایش یابد، کشور مبلغ ۲۵۰۰ میلیارد تومان منتفع شده است. این سود در شرایط جذب سرمایه‌گذاری، سالانه ۲۵۰۰ میلیارد تومان تشکیل سرمایه را مقدور می‌سازد.

به‌راستی، پایین بودن بهره‌وری نیروی کار ناشی از ضدارزش بودن ساختار "اخلاق اقتصاد" حاکم بر جامعه است یا این بحران ناشی از حریم ضدارزشی ساختار "اقتصاد اخلاقی" است که طی چندین دهه گذشته پایه‌ریزی شده است؟ به هر حال و در هر دو صورت این وضعیت نگران‌کننده است و هنگامی این نگرانی تشدید می‌شود که ایران بهشت مالیات‌گیزان باشد و فرار مالیاتی ارزش تلقی شود.

به‌راستی، چرا فرار مالیاتی در جهان معاصر به یک ارزش تبدیل شده است؟ آیا توزیع نابرابر ثروت، انحصارگرایی و متمرکز شدن قدرت در دست طبقات ذینفع نمی‌تواند عامل مهم زمینه‌سازی برای فرار مالیاتی برخی از طبقات اجتماعی بشمار آید؟ بدیهی است که باورها و رویه‌های رفتاری دهه‌های قبل نیز زمینه به‌وجود آمدن این نارسایی را شکل داده‌اند.

پایه‌های این بهشت در نظام مالیات بر شرکت‌های دولتی، مالیات بر کالاها و خدمات، مالیات کارفرمایان، مالیات نقل و انتقال، مالیات مستقیم یا مالیات بر درآمد قرار گرفته است. در ماده ۴۹ قانون برنامه چهارم توسعه کاهش مالیات کارفرمایان کارگاه‌هایی که از طریق مراکز خدمات اشتغال وزارت کار و امور اجتماعی مبادرت به استخدام نیروی کار جدید نمایند، به میزان مالیات بر حقوق دریافتی از کارکنان جدیداً استخدام دیده شده است. ملاحظه می‌کنید که این بهشت محصول برنامه‌ریزی‌های ساختار توسعه نظام است، لذا جا دارد که با بازنگری بر فرآیند، محیط مناسبتری را برای به‌کارگیری "اخلاق اقتصادی" کارفرمایان موردنظر قرار دهیم.

نکته دارای اهمیت در این راستا، همانا وجود سرمایه‌داری دولتی در اقتصاد ایران است که مساله "فرار مالیاتی" را درعمل توجیه کرده است. اما انتظار می‌رود که با اصلاح اصل ۴۴ قانون اساسی و پی‌ریزی روند خصوصی‌سازی، محیط ناسالم فرار مالیاتی به

آینده مشترک بشریت می‌تواند بر مبنای "اخلاق اقتصادی" پایه‌ریزی شود.

بازارها از یک ساختار سازمان یافته تبعیت می‌کنند و ابزارهای مختلفی را برای بقای خود به کار می‌گیرند. این ابزارها عمدتاً عبارتند از:

(۱) شیوه‌های انبارداری، پنهان‌کاری و ذخیره‌سازی برای کالاهای مصرفی کشش‌پذیر و یا مواد اولیه ساختمان.

(۲) بحران‌سازی در امر تولید از طریق کاهش ظرفیت تولید با هدف افزایش قیمت و یا دریافت یارانه‌های بیشتر از دولت؛ تقلب در امر تولید از طریق عدم رعایت استانداردها، بسته‌بندی‌های تقلبی، به‌کارگیری برچسب‌های نادرست و...

(۳) ایجاد کمیایی مصنوعی در بازار به‌منظور منحرف کردن افکار عمومی و دریافت رانتهای مختلف از نظام اقتصادی حاکم بر بازار.

(۴) مبادرت‌کردن به فعالیت‌های غیرقانونی مانند سفته‌بازی، قمار، ایجاد فضاهای نامناسب در بازار بورس، پرداخت رشوه به صورت ارزهای خارجی (Rockets)، صدور مجوزهای غیرقانونی و مدارک جعلی، انتقال مالکیت‌های نادرست و...

(۵) قاچاق کالا و تجارت بین‌المللی بر مبنای مدارک جعلی یا غیرمعتبر.

زمانی که ۷۵ درصد قدرت اشتغال سرمایه‌های انسانی در بخش خدمات به کار گرفته می‌شود و این حجم انبوه اشتغال، سراسر بازارهای سیاه و زیرزمینی مرتبط با جرایم قاچاق کالا را فرامی‌گیرد، به‌طور یقین، دیگر نمی‌توان از "اخلاق اقتصادی" انتظار معجزه داشت.

ملاحظه می‌کنید که بازار سیاه، ساختار سیاسی و اقتصادی خود را دارد و Ray (۲۰۰۴) هم به‌خوبی این فرایند را برای کشورهای توسعه‌نیافته تصویر می‌کند<sup>(۶)</sup>. این معضل از آنجا ایجاد می‌شود که ما نتوانسته‌ایم زمینه ارتقای شاخص‌های توسعه انسانی (HDI) را فراهم آوریم. از آنجا که در کشورهای در حال رشد انسان نمی‌تواند - به علت فراوانی - محور توسعه باشد، لذا "اخلاق اقتصادی" هم نمی‌تواند به‌درستی عمل کند. از اینرو، لازمه موفقیت، همانا ایجاد تحول‌های بنیادین در زیربناهاست. این تحول می‌تواند در مناسبات شرق و غرب تعریف شود و

جرایم در عمل از یک ساختار سازمان یافته فراملی تبعیت می‌کنند که نمی‌توان تصویر روشنی از عملکرد آن ارائه نمود. درآمد حاصل از قاچاق زنان، کودکان و پناهندگان از یکسو، و معاملات مشکوک یا تشکیل شرکت‌های صوری از سوی دیگر، زمینه بازنگری در قوانین بین‌المللی را از طریق کنوانسیون‌های جامع فراهم آورده‌اند. نهادهای بین‌المللی مرتبط با پیشگیری از جرایم بین‌المللی، در دهه ۱۹۹۰، مقدمات بررسی این رویدادها را پایه‌ریزی کردند. کنوانسیون جامع در خصوص تروریسم بین‌الملل در سال ۱۹۹۹ نمونه مناسبی از این رویکرد بشمار می‌رود. با وجود این، طبیعت این جرایم به گونه‌ای است که تنها با اتکا به تصویب کنوانسیون، نمی‌توان انتظار رفع مشکل را داشت، زیرا روح سرمایه‌داری حاکم بر بازارهای سیاه، هیچ نوع تعاملی با "اخلاق اقتصادی" را بر نمی‌تابد. به همین علت، ورود رایانه‌ها به حوزه خصوصی افراد و حیط خلوت زندگی شهروندی، محیط مساعدی را برای ارتکاب جرایم نوظهور فراهم کرده است. روزانه صدها هزار دلار درآمد افراد کم‌درآمد در مسیر مصرف کالاهای غیراخلاقی هزینه می‌شود؛ این در حالی است که این افراد با پدیده سوءتغذیه روبرو می‌باشند!

در این شرایط، می‌توان درک کرد که بشر در طی سالیان طولانی نتوانسته است ساختار "اقتصاد اخلاقی" را - آنطور که علمای علم اقتصاد مانند آدام اسمیت تصویر کرده‌اند - پیاده‌سازی نماید. اما به‌کارگیری "اخلاق اقتصادی" در مسیر اصلاح امور، کاری چندان دشوار نیست و می‌توان محیط مناسبی را برای بهبود فرایند مهیا نمود. اما باید توجه داشت که صرف تاکید بر حداکثر نمودن درآمدها و به‌حداقل رساندن هزینه‌ها، نمی‌تواند تابع هدف را در صورت کلی جامعه به نمایش بگذارد.

این جرایم به تدریج افزایش یافته‌اند و حوزه عملکردشان گسترده‌تر می‌شود. در این صورت، توجه به "اخلاق اقتصادی" یک الزام اجتماعی است و نیازمند رویکردی بین‌المللی می‌باشد.

### بازار سیاه

بازار سیاه، به بازاری اطلاق می‌شود که فعالیت‌های خرید، فروش، قیمت‌گذاری و مقدار کالا، بنابه‌دلایلی که منافع گردانندگان آن حکم می‌کند، نمی‌تواند از قوانین بازارهای رسمی تبعیت کند. این

تدریج از بین برود و ساختار "اقتصاد سرمایه‌داری مستقل" مسوولیت توسعه را در دست گیرد. این مهم در شرایطی امکانپذیر است که مساله شفافیت‌پذیری فعالیت‌ها مورد توجه قرار گیرد و کارگزاران اقتصادی هم از پنهان‌کاری دست بردارند.

بدون تردید، دستیابی به این هدف زمان‌بر است و نباید انتظار معجزه داشت، چون امر توسعه پیچیدگی‌های خود را دارد و برای رسیدن به "بهشت توسعه" لازم است که مشارکت همگان را داشته باشیم و تمهیدات مناسبی را برای دستیابی به این مهم در دستور کار قرار دهیم.

روح سرمایه‌داری حاکم بر بازارهای سیاه، هیچ نوع تعاملی با "اخلاق اقتصادی" را بر نمی‌تابد.

### جرایم متداول

جرایم مالی که امروزه در دنیا متداول شده‌اند، عبارتند از:

(۱) حملات ویروسی به سیستم‌های رایانه‌ای.  
(۲) عدم‌ارایه خدمات به صورت هم‌زمان (Online).

(۳) برگزاری قمارهای بزرگ.

(۴) بازاریابی چندمنظوره (Multi-level).

(۵) مسایل پورنوگرافیک.

(۶) تقلب در کارت‌های اعتباری.

این جرایم ممکن است از لحاظ رعایت اخلاق با مشکل جدی روبرو نباشند و از فضای فناوری‌های اطلاعاتی بهره‌گیرند، اما در هر صورت، این فعالیت‌ها جرم تلقی می‌شوند و پایبندی به "اخلاق اقتصادی" گرایش به این فعالیت‌ها را توصیه نمی‌کند. میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری در امر بازاریابی، آنچنان نظام تصمیم‌گیری‌های سازمانی را تحت‌تاثیر قرار داده است که از دل آن صدها رقابت مخرب و ناسالم به اشکال مختلف سربرآورده و محیط فعالیت‌های اقتصادی را آلوده ساخته است. این، بدان معنی نیست که بازاریابی را کنار بگذاریم، بلکه هدف، منطقی‌نمودن امر بازاریابی است. عدم‌نظارت بر فعالیت‌های بازاریابی، محیط تصمیم‌گیری را آنچنان سخت و دور از دسترس ساخته است که رعایت "اخلاق اقتصادی" در بیشتر فعالیت‌ها دور از انتظار است. این

برعکس می‌تواند با تمهیدات فرهنگی و جسارت، زمینه مناسبی را برای تحولات در امر توسعه فراهم سازد.

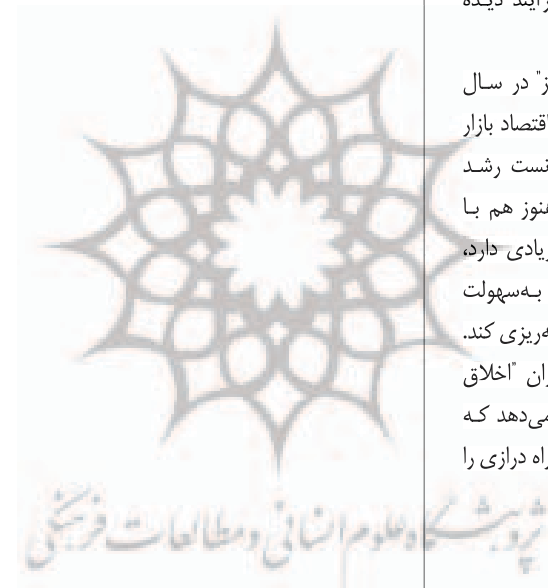
تجربه نویسنده از مطالعات کشورهای در حال توسعه همچون هند، پاکستان، ایران، و ترکیه نشان می‌دهد که لازمه موفقیت، محوری نمودن امر "آزادسازی" است، آنهم با تمام تمهیداتی که در این زمینه تشریح شده است<sup>(۷)</sup>.

تجربه غرب - آمریکا - نیز نشان می‌دهد که تا زمانی که "آل کاپون"ها ساختار مدیریت بازار را در دست داشتند، سرمایه‌داری انحصارگرایی بازار، اجازه هیچ نوع حرکت سازنده‌ای را برای نظام اقتصادی نمی‌داد، اما با تصویب "لایحه ضدانحصار" و زمینه رشد "آل کاپون"ها، این فضا کاملاً دگرگون شده و محیط برای رشد و بالندگی مساعد فراهم آمده، هرچند که هنوز هم نقاط ضعف کلیدی در این فرایند دیده می‌شوند<sup>(۸)</sup>.

چین با پذیرش "سیاست درهای باز" در سال ۱۹۷۹، زمینه انتقال از اقتصاد متمرکز به اقتصاد بازار را فراهم کرد و در کمتر از سی سال توانست رشد معجزه‌آسایی را تجربه کند. اگرچه چین هنوز هم با استانداردهای "اخلاق اقتصادی" فاصله زیادی دارد، ولی انتظار می‌رود که بتواند در این مسیر به سهولت مراتب اعتلای ساختار اقتصادی خود را پایه‌ریزی کند. رویهمرفته، بازار سیاه، نقطه اوج بحران "اخلاق اقتصادی" در یک ساختار است و نشان می‌دهد که دولتمردان برای اصلاح ساختار اقتصادی، راه درازی را در پیش رو دارند.

### تجارت الکترونیک

ورود رایانه به سازمان‌ها، دستگاه‌ها و خانه‌های مردم، امکان هوشمندسازی مجموعه‌ها را به سرعت افزایش داده است. این هوشمندسازی نیز محیط رقابت را تشدید کرده و امکان ظهور یا بالندگی الگوهای انحرافی جدید را در مراکز فعالیت‌های اقتصادی فراهم آورده است. دست‌بردن در حساب بانکی افراد از طریق رایانه‌ها، ساده‌ترین و



② بازار سیاه، نقطه اوج بحران اخلاق اقتصادی در یک ساختار است و نشان می‌دهد که دولتمردان برای اصلاح ساختار اقتصادی، راه درازی را در پیش رو دارند.

مستادول‌ترین نوع انحراف در بازار فعالیت‌های زیرزمینی بشمار می‌رود. لایحه مبارزه با جرم پولشویی که امروز پیش روی دولت و مردم ایران قرار دارد، در شرایطی مطرح است که آموزش شیوه‌های شکستن قفل‌های رایانه‌ای برای ورود به شبکه‌های اطلاعات هم در مراکز آموزش رایانه کشور امری عادی و پذیرفته شده است! کلاهبرداری‌های سنگینی که امروزه از طریق تجارت الکترونیک در سطح بین‌المللی صورت می‌گیرد، در حدی گسترده است که نمی‌توان بدون توسل به

ضوابط و استانداردهای بین‌المللی نسبت به مهار آن اقدام کرد. آزادسازی‌های مختلفی که در حوزه مقررات، سرمایه‌گذاری، امور مالی، تجارت، بانکداری، فناوری اطلاعات (ICT) و حساب‌های سرمایه در دو دهه گذشته در دستور کار بین‌المللی قرار گرفته است، شرایطی را ایجاد کرده که هوشمندسازی سازمان‌ها یک امر الزامی شده و دیگر نمی‌توان با مهارت‌های سطح پایین، جلوی جرایم سازمان‌یافته را گرفت. به عبارتی، عصر اطلاعات، بستر مناسبی را برای تجهیز فناوری‌های تصمیم‌گیری (Decision Technology) فراهم کرده است.

توجه به "اخلاق اقتصادی"

یک الزام اجتماعی است و نیازمند

رویکردی بین‌المللی می‌باشد.

فراهم می‌سازد. امروزه تصمیم‌گیری براساس اصول مدیریت کلاسیک ممکن نیست و لازم است که توانمندی‌های سرمایه‌های فکری سازمان برای رویارویی با کلاهبرداری‌های چندمیلیارد دلاری افزایش یابد<sup>(۹)</sup>.

درواقع، توسعه بازار و آزادسازی بازار می‌بایست با اصلاحات در بازار و تداخل در بازارها همراه و همسو باشد. این مهم نیز زمانی میسر است که بازار با کارایی بالا در مسیر خدمت به فعالیت‌های اقتصادی قرار گیرد.

مافیای دارو هم امروزه بخش بزرگی از اقتصاد زیرزمینی را تسخیر کرده و ورود انبوه داروهای مخدر به کشورهای در حال توسعه، آنهم از طریق تجارت الکترونیک و تاثیر آن بر سیاست‌ها و عملکردهای اقتصادی جوامع را نمی‌توان امری زودگذر تلقی کرد.

امروزه بیشتر افرادی که از رایانه و پست الکترونیک (e-mail) استفاده می‌کنند، نامه‌های الکترونیکی متعدد مبنی بر همکاری به‌منظور فرار مالیاتی یا سایر سوژه‌های جذاب را دریافت می‌کنند، و جالب اینکه تمام این نامه‌ها از یک جریان مجرمانه سازمان‌یافته تبعیت می‌کنند. این مکاتبات از چنان طراحی و ظاهر فریبنده‌ای برخوردارند که به‌سهولت نظام ادراک عقلایی کارگزار را تحت‌تاثیر قرار می‌دهند و وی را به کارهای خلاف اقتصادی تشویق می‌نمایند. بدیهی است که در این موارد، ارایه آموزه‌های اخلاقی می‌تواند به‌طور نسبی جلوی بحرانی شدن هنجارها و تخریب‌های اخلاقی را بگیرد و منابع مالی را در مسیر بهتری هدایت کند.

البته آگاه‌شدن از وجود اینگونه نارسایی‌ها در "دنیاى مجازى رایانه‌ای" نباید باعث دورشدن ما از کار



② قربانیان مواد مخدر، ابزارهای سوءاستفاده در بازارهای غیراخلاقی می‌باشند.

از سوی دیگر، Tanzi و Dawoodi (۱۹۹۷) نشان می‌دهند که رابطه مستقیمی بین میزان پرداخت رشوه و درصد بنگاه‌هایی که تن به پرداخت رشوه می‌دهند، وجود دارد. این نتیجه‌گیری تاییدکننده این واقعیت است که باید با تعهد به الزامات "اخلاق اقتصادی" روح سرمایه‌داری معاصر را پالایش نمود، در غیر اینصورت، به‌تدریج حوزه رفتارهای سوء، انحراف‌ها و نابسامانی‌های اقتصادی، محیط آلوده‌ای را پیش روی بشر قرار خواهد داد. به‌علاوه، Tanzi این فرضیه را نیز مطرح می‌کند که احتمالاً فساد با افزایش سرمایه‌گذاری در بخش عمومی همراه است، اما این سرمایه‌گذاری با کارایی پایین روبرو می‌باشد<sup>(۱۰)</sup>.

با رایانه شود، بلکه برعکس باید از این فناوری با هوشمندی سطح بالاتری بهره‌برداری کنیم تا محیط اجتماعی - اقتصادی سالم‌تری را برای فرزندانمان فراهم آوریم.

### نقش تورم

این نظریه که تورم می‌تواند عاملی بالقوه مهم در مسیر رشد اقتصادی باشد، امروزه چندان مقبولیت ندارد و از تورم به‌عنوان عاملی ضد رشد یاد می‌کنند. Ray (۱۹۸۳) در کتاب "اقتصاد جهان سوم" در مقام یک اقتصاددان هندی معتقد است که تورم می‌تواند امکانات عدیده‌ای را برای بروز بی‌نظمی‌های اقتصادی فراهم نماید. در این زمینه می‌توان طیف

وسعی را مشاهده کرد که از تاثیر تورم بر توزیع نابرابر درآمدها شروع می‌شود و تا اثرات منفی آن بر سرمایه‌گذاری و پس‌انداز ادامه می‌یابد. همچنین از انتقال پس‌اندازهای مردم به بخش پول‌های سیاه (Black Money) و حرکت این منابع درآمدی به مسیرهای غیربهره‌ور نیز می‌توان به‌عنوان یک اقدام ضدارزشی یاد کرد. سوءمحاسبات (Miscalculation) بودجه‌ای دولت نیز از دیگر جهاتی است که در بحث تورم مطرح است<sup>(۱۱)</sup>.

علاوه بر این، در جهان معاصر، پدیده تورم عامل بالقوه مهمی در دفع سرمایه‌گذاری‌های خارجی بشمار می‌رود. این معضل، ناشی از تاثیر بازارهای تورمی بر صادرات غیرسودآور و واردات گران و سنگین می‌باشد. نتیجه این وضعیت هم موازنه پرداخت‌های نامطلوبی است که روند ارزشی اقتصاد را کند و کندتر می‌سازد. با وجود این، ملاحظه می‌کنیم که از روند تورم به جهات مختلفی استقبال می‌شود. از آنجا که ساختار اقتصاد نمی‌تواند به‌طور مطلق اخلاقی باشد و با قوانین عرضه و تقاضا در تعارض قرار می‌گیرد، لذا معقول به‌نظر می‌رسد که کارگزاران اقتصادی، از "اخلاق اقتصادی" به‌عنوان عامل بالقوه اثرگذار در مسیر رشد و توسعه به‌درستی بهره‌برداری کنند.

### آزادسازی و جهانی‌شدن

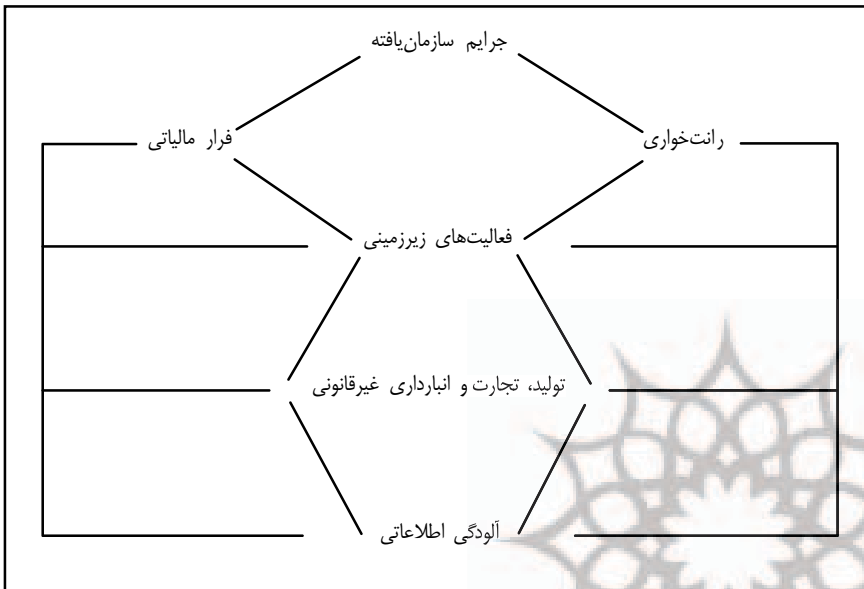
در همین رابطه Xavier (۲۰۰۳) هم یک پرسش کلیدی را پیش رو قرار می‌دهد: آیا جهانی‌شدن، می‌تواند چهره انسانی به‌خود بگیرد؟ این معما از آنجا اهمیت می‌یابد که تفکر جهانی‌شدن محصول سرمایه‌داری جدید نیولیبرالی است که تمامی ملت‌ها در مسیر آن گام برمی‌دارند<sup>(۱۲)</sup>.

در دهه‌های اخیر، آزادسازی و جهانی‌شدن، تغییرات مهمی را در جهان معاصر به همراه آورده‌اند. از نقطه‌نظر سیاسی Xavier معتقد است که فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، تقسیم‌بندی قبلی جهان به جهان اول - دوم - سوم را درهم ریخت و جهان چندقطبی از دل آن بیرون آمد و این مساله فضای حضور ملیت‌های غنی و فقیر را بازتر کرد. درواقع، دیگر جهان John Stuart Mill (۱۸۳۳-۱۸۰۶) با تاکید بر اصول عرضه و تقاضا به پایان رسیده است. حتی دیدگاه‌های Alfred Marshall (۱۸۴۲-۱۹۲۴) نیز نمی‌تواند اصول علم اقتصاد را توجیه نماید. موج سوم Alvin Tofler (۱۹۷۸) نیز

جدول شماره یک  
مسیر پول‌های کثیف ضد ارزشی

شرح	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله سوم
هدف	تزریق سرمایه	پوشش قانونی	به‌کارگیری آسان
برنامه	جابجایی سرمایه	پرهیز از افشای منشأ	صورت‌پردازی قانونی
مکانیسم	سودهای Fictitious	توزیع در جوامع	سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مختلف

نمودار مدارهای جرایم سازمان‌یافته



دیگر نمی‌تواند در توجیه فرایندها به‌درستی به‌کارگرفته شود. اینک به نظر می‌رسد که موج چهارم، تروریسم بین‌الملل است که در فضای "اقتصاد فر اصنعی" چشم‌انداز نامطلوبی از جنگ و خونریزی را پیش روی مردم جهان قرار داده است. اما "اخلاق اقتصادی" ارزش‌هایی را با خود دارد که می‌تواند ضد ارزش‌های موجود در جهان معاصر را تعدیل کند و از بین ببرد. زمانی که ۷۵ درصد قدرت اشتغال سرمایه‌های انسانی در بخش خدمات به‌کار گرفته می‌شود و این حجم انبوه اشتغال سراسر بازارهای سیاه و زیرزمینی مرتبط با جرایم قاچاق کالا - از دارو تا انسان - را فرامی‌گیرد، به‌طور یقین، دیگر نمی‌توان از "اخلاق اقتصادی" انتظار معجزه داشت.

### شفاف‌سازی

در این شرایط، راهکار پیش روی دولت‌ها، همانا شفاف‌سازی در حوزه پول‌های کثیف و جرایم سازمان‌یافته به منظور درک بیشتر اهمیت "اخلاق اقتصادی" در فضاهای مختلف است. لازم به یادآوری است که در مسیر پول‌های کثیف که از محل جرایم اقتصادی تهیه و تدارک می‌شوند، سه مرحله قابل‌تفکیک وجود دارد که جزئیات آن در جدول شماره یک آمده است.

همچنین مدارهای جرایم سازمان‌یافته حول‌وحوش فعالیت‌های زیرزمینی، تولید و تجارت و انبارداری غیرقانونی و آلودگی اطلاعات شکل می‌گیرد. این مدارها از طریق رانت‌خواری و فرار مالیاتی محیط‌های چسبنده‌ای را ایجاد می‌کنند که مانع برخورد شفاف با موضوع می‌شوند. بدیهی است که امر شفاف‌سازی باید این مدارها را تصحیح کند و با تاکید بر "اخلاق اقتصادی" به‌عنوان وجدان آگاه جامعه، زمینه اعتلای جامعه را فراهم آورد. بار دیگر تاکید می‌شود که اگرچه این اصلاحات زمان‌بر است، اما باید بپذیریم که برای ایجاد وحدت و جلوگیری از سقوط، لازم است که اصلاحات از درون را پذیرا باشیم و محیط مساعدی را برای ترویج "اخلاق اقتصادی" فراهم آوریم.

### منابع

- ۱) اداره مطالعات و برنامه‌ریزی / ۱۳۸۳ / "پولشویی و اقدامات انجام‌یافته" / بانک تجارت / شماره ۱۲۴-۵-۸۳.
- ۲) تصدیقی، بهروز / "تاریکخانه‌های اقتصادی و پول‌های سیاه" / کتابخانه ملی طبقه‌بندی شده است.
- 3) World Bank Atlas / 2002 / "Income & Population Differences Among Group of Countries" / IBRD.
- ۴) پیدآباد، بیژن / ۱۳۸۴ / "گونه‌شناسی نهاد‌های مالی و مراکز تصمیم‌گیری اقتصادی ایران" / مجله بانک و اقتصاد / شماره ۶۷ / اسفند ۱۳۸۴.
- ۵) ایران اقتصادی / ۱۳۸۶ / "وزیر امور اقتصادی و دارایی: ایران بهشت مالیاتی است" / شماره ۳۸۷۱ / صفحه ۳.
- 6) Ray, S.K. / 2004 / "Polity & Economy of the Underdeveloped" / PHI / P.43.
- ۷) مراجعه شود به کتب مختلف آزادسازی / عبیری، غلامحسن.
- ۸) مراجعه شود به کتب تاریخ اقتصاد سرمایه‌داری آمریکا، دهه ۱۹۳۰.
- ۹) عبیری، غلامحسن / ۱۳۸۶ / "تصمیم‌گیری در سازمان‌های هوشمند - زیرساخت‌های دانا می‌محوری در برنامه توسعه" / مجله بانک و اقتصاد / شماره ۹۰ / اسفند ۱۳۸۶.
- 10) Tanzi, V. & Dawoodi, H.R. / 1997 / "Corruption, Public Investment & Growth" / IMF / Working Paper Series WP / 97 / 139 / IMF.
- 11) Ray, S.K. / 1983 / "Economics of the Third World" / PHI.
- 12) Xavier, Pinto / 2003 / "Can Globalization Ever Have a Human Face?" / Indian Currents / 27. April.

ما را از پیشنهادها و نظریات خود بهره‌مند کنید.